

چه کسانی به دنبال عدم مشارکت مردم هستند؟!

سیدمحمد مهدی موسوی



اشاره:

بررسی گذشت سه دوره پر فراز و نشیب از عمر مجلسی که بر اساس اصول مسلم قانون اساسی دو وظیفه مهم تشخیص و معرفی رهبری نظام به نیابت امامت امت در دوران غیبت حضرت ولی عصر (عج) و نظارت بر تداوم شرایط لازم در رهبری منتخب و احیانا اعلام نبود شرایط و عزل وی را بر عهده دارد، به خوبی این حقیقت را روشن می‌سازد که چرا دشمنان و پدخواهان انقلاب نمی‌خواهند اولاً مجلس خبرگان رهبری با قدرت و آرای بالای مردمی شکل بگیرد و ثانیاً این مجلس به دور از حاشیه‌ها به این دو نقش اساسی خویش بپردازد.

تحلیل کامل این‌که چرا دشمن از حضور گسترده مردم در انتخابات این مجلس می‌هراسد و اساساً چرا باید چنین مجلسی با پشتوانه قوی مردمی شکل بگیرد، مستلزم مجال و فرصتی بس طولانی است که نگارنده به هیچ وجه به دنبال آن نیست. در این مقال نیز سعی شده به صورت مختصر و مفید به اهمیت حضور مردم در این دوره از انتخابات مجلس خبرگان رهبری که چهارمین دوره آن هم محسوب می‌شود، بپردازد. در این میان البته به صورت گذرا، فضای حاکم در انتخابات سه دوره گذشته این مجلس و جبهه‌گیری متفاوت گروه‌های سیاسی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

اهمیت مجلس خبرگان در نگاه حضرت امام علیه السلام

«مجلسی که علاقه‌مندان به اسلام و جمهوری اسلامی به آن دل بسته‌اند و مخالفان و دشمنان آن چشم به آن دوخته‌اند. آنان دل بسته‌اند که منتخبین آنها که از علمای متعهد و آگاه به مصالح و مفاسدند، با رأی مبارک خود شایسته‌ترین و متعهدترین فقیه یا فقها را برای این مقام که صیانت نظام جمهوری اسلامی و هدایت آن به طور شایسته و موافق با شریعت مطهره بستگی به آن دارد، با اعتقاد به حضور خداوند متعال و نظارت او بر آرا و اعمال و احوال آنان تعیین نمایند و رضای او را بر رضای خود و دیگران مقدم دارند و اینان چشم طمع دوخته‌اند که شاید به وسیله ایادی خود بتوانند لغزشی خدای ناخواسته ایجاد کنند که در آتیه ولو درازمدت، نظام اسلامی را به انحراف کشانند...»^۱

این جملات حضرت امام خمینی علیه السلام به خوبی و روشنی بیان‌گر اهمیت و نقش مجلس خبرگان رهبری در ساختار سیاسی و حقوق نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باشد.

در آغاز راه هم تلقی حضرت امام راحل از این مجلس، مجلسی متشکل از خبرگان اسلام شناس بود که البته ایشان با قدرت تمام از وجود آن حمایت و با مخالفان آن مخالفت می‌کردند.^۲ در جایی امام امت با تأکید بر ضرورت دقت مردم برای انتخاب افراد شایسته جهت مجلس خبرگان، می‌فرمایند: «در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر توجه کنند که اگر مسامحه کنند و خبرگان را روی موازین شرعیه و قانون انتخاب نکنند، چه بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران‌پذیر نباشد.»^۳

همچنین در جایی دیگر ضمن دعوت آحاد ملت برای حضور در انتخابات مجلس خبرگان رهبری، می‌فرمایند: «من امیدوارم که ملت شریف ایران در این امر مهم الهی [انتخابات مجلس خبرگان رهبری] که منصرفان از هر چیزی بیش‌تر با آن مخالفت کرده و می‌کنند و این نیز از اهمیت آن است، یک‌دل و یک‌جهت در روز انتخابات به سوی صندوق‌ها هجوم برند و آرای خود را به صندوق‌ها بریزند.»^۴

یکی از مسایل مهم در عدم مشارکت حداکثری مردم در انتخابات دوره دوم خبرگان، تلقی عامه مردم از پایان مأموریت مجلس خبرگان پس از انتخاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری انقلاب اسلامی بود.

امام خمینی علیه السلام: در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر توجه کنند که اگر مسامحه کنند و خبرگان را روی موازین شرعیه و قانون انتخاب نکنند، چه بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران‌پذیر نباشد.





**مجلس خبرگان ارتباط قوی
 با مهم‌ترین رکن نظام یعنی
 ولایت فقیه دارد و تقویت و
 اعتبار دو چندان این مجلس،
 اقتدار نهاد ولی فقیه را در پی
 خواهد داشت.**

نیز وصیتنامه سیاسی - الهی آن بزرگوار به عنوان امانت تحویل این مجلس شد. گذشته از درگیر بودن کشور در جنگ تحمیلی، حضور فیزیکی حضرت امام علیه السلام در این دوره، بی‌شک تأثیر فراوانی بر این انتخابات می‌گذاشت؛ چه آنکه به نظر مردم، فلسفه تشکیل خبرگان در انتخاب رهبر و در آن دوره، جانشین امام علیه السلام تلقی می‌شد. شاید از همین رو بود که حضرت امام علیه السلام پس از ابراز خرسندی از حضور پرشور مردم در انتخابات فرمودند: «انقلاب تثبیت شد، می‌توانم راحت بمیرم و از آینده مطمئن باشم.»^۷

اتفاقی که دیگر رخ نداد

بروز اختلافات سیاسی در جریانات مذهبی و نیروهای انقلابی که از آثار آن انحلال حزب جمهوری اسلامی، انشعاب در جامعه روحانیت مبارز، چند

گزینش افراد شایسته و به معنای واقعی خبره ملت در عرصه رهبری، برگزاری انتخابات غیر مستقیم و واسطه بودن خبرگان مردم در جهت تشخیص رهبری، امری اجتناب‌ناپذیر و کاملاً معقول است و شاید از همین جاست که تفاوت‌های این انتخابات با سایر انتخابات که دارای خصیصه‌های دیگری چون انتخاب مستقیم است، هویدا می‌شود.

نگاهی به گذشته خبرگان

انتخابات چهارمین دوره این مجلس در تاریخ بیست و چهارم آذرماه سال جاری برگزار می‌شود و به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت فعلی کشور و نیز مسایل منطقه‌ای و جهانی، تمایزی برجسته نسبت به سه دوره گذشته آن دارد. در این جا نگاهی هر چند گذرا به دوره‌های پیشین و شرایط این دوره از انتخابات، می‌تواند در روشن‌تر شدن ابعاد اهمیت حضور گسترده مردم در پای صندوق‌های رأی مؤثر و مفید واقع شود.

اولین دوره: حضوری حماسی

در اولین دوره انتخابات که در تاریخ ۱۹ آذر ماه سال ۶۱ برگزار شد، در مجموع بیش از ۱۸ میلیون واجد شرایط شرکت کردند و ۶۹ نفر هم از خبرگان ملت به مجلس خبرگان رهبری راه یافتند. اولین اجلاس این دوره در تاریخ بیست و سوم تیر ماه سال ۱۳۶۲ و با پیام حضرت امام علیه السلام افتتاح و در همان جلسه

معیار انتخاب خبرگان از دریچه نگاه

معمار انقلاب

حضرت امام علیه السلام البته در کنار دعوت مردم برای حضور گسترده در پای صندوق‌های رأی‌گیری، بر ضرورت انتخاب افراد شایسته و اصلح تأکید می‌کنند: «من توصیه می‌کنم که خبرگان خودتان را اشخاص متدین، اشخاص عالم، علمای بزرگ بلاد، اشخاصی که نه به راست و نه به چپ انحراف ندارند، اشخاصی که به صراط مستقیم انسانیت، به صراط مستقیم اسلام و در صراط مستقیم اسلام هستند، اشخاص معتبر، اشخاص امین، اشخاص وطن‌خواه، اشخاص اسلام‌خواه؛ این اشخاص را تعیین کنید برای سرنوشت خودتان.»^۵ در جایی دیگر نیز تأکید می‌کنند: «مهم این است که خبرگان باید اسلامی، امین و مسلمان باشند.»^۶

انتخابات خبرگان، متفاوت از سایر

انتخابات‌ها

به هر روی آنچه مسلم است این‌که مجلس خبرگان به عنوان نهادی مستقل و به دور از تأثیرپذیری از سایر قوا و یا کانون‌های قدرت، در نگاه حضرت امام علیه السلام و امروز در منظر مقام معظم رهبری، از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی فراتر از جلب آرای عمومی در این زمینه، جزو پایه‌های مشروعیت نظام است. قطعاً به همین دلیل است که گفته‌اند برای افزایش ضریب دقت و اطمینان

که در برخی از استان‌ها تعداد داوطلبان با تعداد نامزدهای مورد نیاز برابر بود و همین امر هم تا حدودی باعث بی‌تفاوتی مردم می‌شد.

دوره سوم؛ فضای تحریم و دل‌سردی

انتخابات دوره سوم در اولین روز آبان سال ۱۳۷۷ یعنی یکسال پس از پیروزی جریان چپ در انتخابات دوم خرداد برگزار شد. این بار هم علی‌رغم حضور ۱۸ میلیون نفر از واجدین شرایط در انتخابات، کم رونقی فضای انتخاباتی به خوبی مشهود بود. در این دوره ۸۶ نفر از کاندیداها توانستند جواز ورود به مجلس خبرگان را به دست آورند.

در خصوص حضور ۳۴/۶ درصدی مردم در پای صندوق‌های رأی در این دوره، بی‌درنگ باید به نکات ذیل توجه داشت:

۱. فشار مضاعف به شورای نگهبان از سوی گروه‌های چپ که بعدها دوم خردادی خطاب می‌شدند، و انتقادات صریح و مغرضانه نسبت به وجود نظارت استصوابی هر چند در دوره گذشته هم وجود داشت، اما این بار وارد فاز جدیدی شده بود، چه آنکه نیروهای موسوم به اصلاح‌طلب اهرم‌های مهمی چون وزارت کشور، دولت و مطبوعات را نیز در اختیار داشتند. از سویی با توجه به این‌که این دوره از انتخابات خبرگان نخستین انتخاباتی بود که پس از دوم خرداد برگزار می‌شد، همین مسئله سبب شد تا کسانی که نتوانسته بودند در دوره قبل روند نظارتی شورای نگهبان را تغییر دهند، دست به کار شده و از اهرم‌های ذکر شده برای افزایش فشار به شورای نگهبان بهره ببرند. این روند تهاجمی به صورتی بود که در آن ایام روزنامه «سلام» به نقل از حجت الاسلام مهدی کربوبی چنین نوشت: «اواخر عمر مجلس خبرگان اول تلاش و تکاپو برای تغییر در مقررات به اوج خود رسید و روشن بود که تمامی این تلاش‌ها برای پیشگیری از حضور گروهی خاص از روحانیون و عناصر خودی و انقلابی صورت گرفت.»^۸ این گونه حملات به شورای نگهبان

دستگی در صفوف گروه‌های مذهبی نظیر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و بالاخره ارگان‌ها و نهادهای انقلابی بود و به طور کلی فضای سیاسی کشور را به دو گروه طرفدار دولت مهندس موسوی و مخالفان آن تقسیم می‌کردند، از جمله مهم‌ترین تحولات سیاسی این دوره است.

با وجود همه این مسایل، انتخابات دوره اول به عنوان پرشورترین انتخابات خبرگان با حضور بیش از ۷۷ درصد مردم در تاریخ انقلاب ثبت شد، و در انتخابات دیگر خبرگان، هرگز تکرار نشد.

دوره دوم؛ قهر جناح موسوم به چپ

در دوره دوم انتخابات که ۱۶ مهر ۱۳۶۹ و یکسال پس از ارتحال امام عظیم الشان برگزار شد، تنها ۱۱ میلیون ایرانی در پای صندوق‌های رأی‌گیری حاضر شدند. در این دوره از میان ۱۰۶ نامزد انتخاباتی، ۸۲ نفر به مجلس خبرگان راه یافتند.

آگاهان و تحلیلگران مسایل سیاسی برای کاهش قابل توجه آرا در این دوره، دلایلی چند برشمرده‌اند:

۱. تغییر شرایط تأیید نامزدهای مجلس خبرگان و رد صلاحیت برخی از داوطلبان که البته عمدتاً از طیف‌های چپ‌گرا بودند.

۲. تحریم انتخابات از سوی جریان موسوم به چپ متشکل از تشکل‌هایی چون مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، دفتر تحکیم وحدت و... نیز بی‌تأثیر نبود و هر چند به شکل علنی اعلام نشد، اما نکته جالب توجه این‌که این اقدام گروه‌های موسوم به خط امام، مسبوق به سابقه نبود و برای اولین بار رخ می‌داد.

۳. حمله به شورای نگهبان و نظارت استصوابی از سوی چپ‌گرایان که بر روند مشارکت عمومی مردم تأثیر منفی خود را گذاشت.

۴. یکی از مسایل مهم در عدم مشارکت حداکثری مردم در انتخابات، تلقی عامه مردم از پایان مأموریت مجلس خبرگان پس از انتخاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری انقلاب اسلامی بود، به ویژه آن‌که مقام معظم رهبری جوان‌تر از حضرت امام علیه السلام نیز بودند.

۵. نکته آخر عدم وجود رقابت فعال و جذاب در بسیاری از استان‌ها بود، به طوری

بازماندن گروه‌های اصلاح‌طلب از دستیابی به هرگونه پیروزی در سه انتخابات اخیر، باعث شده آنها عزم خود را برای پیروزی در انتخابات خبرگان و شوراها جزم کنند.

یقیناً اهتمام رسانه‌های استکباری بر این است که آرای خاکستری جامعه را به سمت عدم مشارکت، به منظور بهره‌برداری از آن به عنوان یک امتیاز جهت فشار به نظام سوق دهد.

درنگی بر شرایط امروز

همیشه گفته‌اند که گذشته چراغ راه آینده است. در خصوص خبرگان نیز باید گفت شناخت دقیق جریان‌ات حاکم بر فضای انتخابات سه دوره قبل، می‌تواند تا حدود بسیاری مشخص‌کننده موضع‌گیری همان جریان‌ات ولو با نام‌های مختلف در انتخابات آتی باشد. در اینجا تلاش نگارنده بر این بوده که ضمن اشاره به تفاوت‌های این دوره از انتخابات با دوره‌های گذشته، به بررسی جنبه‌گیری جریان‌ات سیاسی مختلف به ویژه پس از شکست‌های سلسله‌وار جریان چپ در سه انتخابات گذشته شوراهای، مجلس و ریاست جمهوری بپردازد.

هر چند در آستانه برگزاری چهارمین دوره این انتخابات، شاهد افزایش دوباره فشارها به شورای نگهبان مبنی بر نظارت استصوابی هستیم که اتفاقاً با نامه‌نگاری‌های مهدی کروبی به آیت‌الله جنتی در یکی دو ماه اخیر شروع شده است، اما به نظر می‌رسد این بار شرایط تا حدود زیادی متفاوت است و نکات ذیل بهتر بیان‌گر این مدعا است.

۱. افزایش حساسیت متدینین جامعه به مسایل

روز

عملکرد برخی چهره‌های افراطی جناحی در طول سالیان اخیر که حمایت بیگانه را نیز پشت سر خود احساس می‌کردند، علاوه بر آنکه حساسیت بیشتر جامعه دینی باعث توجه ویژه مردم به جریان اصولگرایی شده است و نتیجه انتخابات‌های اخیر، حاکی از این رویکرد عمومی است.

از سویی تهاجمات بسیار زیاد برخی شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی در سالیان اخیر به اصل ولایت فقیه، در این رویکرد بی‌تأثیر نبوده است؛ چرا که نباید یادمان برود به قول حضرت امام علیه السلام، ولایت فقیه شعبه‌ای از ولایت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است و لذا مهم‌ترین رکن نظام اسلامی به شمار می‌رود.

۲. تنگ‌تر شدن فضای رقابت‌های سیاسی

بازماندن گروه‌های اصلاح‌طلب از دست‌یابی به هرگونه پیروزی در سه انتخابات اخیر، باعث شده آنها عزم خود را برای پیروزی در انتخابات خبرگان و شوراها جزم کنند. از سویی عدم اشتراک نظر و اجماع در برخی گروه‌های اصولگرا در معرفی کاندیداهای خود به مردم، در این مسئله تأثیر

در حالی بود که در اواخر دوره نخست خبرگان، که اتفاقاً نمایندگان چپ هم حضور پررنگی داشتند، این مجلس خود نظارت بر انتخابات را به شورای نگهبان سپرد و او را مکلف کرد تا با دقت فراوان، صلاحیت علمی، سیاسی و اخلاقی کاندیداها را مورد بررسی قرار دهد.

۲. نکته مهم دیگر بی‌انگیزگی وزارت کشور وقت در برگزاری انتخابات دوره سوم خبرگان بود، به طوری که حتی مصطفی تاج‌زاده، مسئول وقت ستاد انتخابات وزارت کشور، فضای حاکم بر کشور را فضای غیر انتخاباتی! عنوان کرد.^۹

۳. با آغاز جریان ثبت نام از کاندیداها در ۶ شهریور آن سال، ۳۹۶ نفر کاندیدای حضور در مجلس خبرگان شدند. در این میان کسانی حتی روحانی نبودند و با این توجیه که اجتهاد تنها شرطی از شرایط رهبری است، اقدام به ثبت نام کرده بودند. همین مسئله خود سبب رد صلاحیت نیمی از ثبت‌نام‌کنندگان شد و فضای سیاسی توسط احزاب و گروه‌های حامی آنها به شدت ملتهب گشت.

در آن ایام کم نبودند نشریاتی که تیرشان این بود: «نظارت استصوابی با روح قانون اساسی و جمهوریت نظام مغایرت دارد»^{۱۰} و یا این‌که «مردم ایران قانوناً حق دارند برای عضویت خبرگان به هر شخص یا هر عقیده! و از هر صنف اجتماعی رأی داده و او را انتخاب کنند»^{۱۱}

۴. از سویی انصراف برخی از کاندیداهای تأیید صلاحیت شده همچون آقایان طاهری اصفهانی، فاضل هرنیدی، عبایی خراسانی، خلخالی و... در راستای اعتراض به عملکرد شورای نگهبان و دلسرد کردن مردم از مشارکت در انتخابات، دست به دست هم داد تا روزنامه «سلام» در ۱۸ آبان ماه همان سال در تحلیلی با عنوان شکست اسلامیت‌گراها چنین بنویسد: «۵۴ درصد از ایرانیان در انتخابات خبرگان گفتند سیاست ما، عین دیانت ما نیست».

هدف و مقصود اساسی از تشکیل مجلس خبرگان، موضوعی کاملاً ملی؛ یعنی انتخاب رهبری نظام در زمان لازم است. بنابراین شأن این مجلس بالاتر از کارهای جناحی و خطی است.

حضور گسترده مردم در هر انتخاباتی می‌تواند برک برنده‌ای در اختیار مسئولان نظام قرار دهد.

زیادی داشته است.

۳. کاهش وزن گروه‌های مرجع و احزاب

سیاسی

تحلیل سه انتخابات گذشته شوراها، مجلس هفتم و ریاست جمهوری؛ این حقیقت را بر ما فاش می‌سازد که بی‌توجهی مردم به جنجال‌های سیاسی احزاب و به ویژه احزاب تمامیت خواه و پرمدعای پس از دوم خرداد، در این دوره از انتخابات نیز همچنان ادامه خواهد داشت. در این میان برخی از چهره‌ها و گروه‌های سیاسی که در گذشته جایگاه و پایگاهی برای خود در میان مردم دست و پا کرده‌اند، همچنان با عدم اقبال عمومی روبه‌رو شده و مردم با حضور آگاهانه و پرشور خود، افراد شایسته و خبره به معنای واقعی را گزینش خواهند کرد.

۴. جوان‌گرایی

استقبال عمومی از چهره‌های نسبتاً جدید و البته جوان در چند انتخابات اخیر، گروه‌های مختلف سیاسی را بر آن داشته تا در این دوره از انتخابات برای نیل به موفقیت، از چهره‌های جدید جهت کاندیداتوری خبرگان استفاده کنند که البته این رویکرد با فضای عمومی جامعه و بافت جمعیتی جوان کشور سنخیت فراوانی دارد.

از دیگر سو، باید گفت در این دوره از انتخابات، شاهد ظهور و بروز موج سوم در کنار دو قطب اصلی کاندیداها خواهیم بود. مسئله‌ای که ممکن است نتیجه کل انتخابات را دستخوش تغییرات عمده‌ای کند، هر چند عده‌ای آن را جدی نمی‌دانند.

۵. شرایط تهدید بین المللی و فشار آمریکا

و غرب

گرچه خوشبختانه بر فضای داخل کشور اوضاع مساعدی حاکم است که وحدت و همدلی ملی شاخصه مهم آن است، اما نباید از افزایش تهدیدات بین المللی و فشار آمریکا و جهان غرب به ویژه در مسئله هسته‌ای غافل بود. بی‌شک در شرایطی که آمریکا خواستار ایجاد «خاورمیانه جدید» است، حضور گسترده مردم در هر انتخاباتی می‌تواند برگ برنده‌ای در اختیار مسئولان نظام

قرار دهد. برگ برنده‌ای که بارها و بارها ارزش و اعتبار خود را در معادلات منطقه‌ای و جهانی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب به منصف ظهور رسانده است. این نکته آن‌جا قابل توجه‌تر می‌شود که بدانیم در این دوره هم یقیناً اهتمام رسانه‌های استکباری بر این است که آرای خاکستری جامعه را به سمت عدم مشارکت، به منظور بهره‌برداری از آن به عنوان یک امتیاز جهت فشار به نظام سوق دهد.

۶. اصولگرایی

از دیگر شاخصه‌های منحصر به فرد این دوره، حاکمیت گفتمان اصولگرایی در مجامع سیاسی و اجرایی کشور است. مسئله‌ای که با افزایش امید مردم به مسئولان همراه شده است. سخنان چندی پیش مقام معظم رهبری در جمع مسئولان نظام، مبنی بر آنکه نباید دایره اصول‌گرایی در چارچوب یک جناح سیاسی قرار گیرد و این‌که ملاک اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی معیار مناسبی جهت تشخیص جریان‌های خودی و غیر خودی نیست، می‌تواند کمک بسیاری به جریان اصیل اصولگرا جهت گزینش خبرگان واقعی و معرفی آنان به مردم باشد.

چرا دشمن از مشارکت حداکثری

می‌هراسد؟!

در آغاز سخن گفته شد که دشمنان انقلاب خواستار عدم مشارکت جدی و گسترده مردم در این دوره از انتخابات هستند، چرا که آنان خوب می‌دانند، مجلس خبرگان ارتباط قوی با مهم‌ترین رکن نظام یعنی ولایت فقیه دارد و با عنایت به این مسئله که تقویت و اعتبار دو چندان این مجلس، اقتدار نهاد ولی فقیه را در پی خواهد داشت، لذا حضور کم‌رنگ مردم که شاید حاکی از بی‌توجهی مردم به خبرگان باشد، می‌تواند دشمن را به اولین هدف خود که همانا خدشه‌دار کردن جایگاه رفیع ولایت فقیه در جامعه ولایی ما است، رهنمون کند. از این رو بی‌جهت نبود که در دوران ابهام آلود پس از دوم خرداد، قلم بدستانی می‌نوشتند:

به فرمایش حضرت امام (ع)،
ولایت فقیه شعبه‌ای از
ولایت رسول الله (ص) است
و لذا مهم‌ترین رکن نظام
اسلامی به شمار می‌رود.

وحدت و همدلی جریان‌های اصولگرا
از یکسو و پرهیز از برخورد‌های تند
و تخریب از سوی دیگر، می‌تواند
هم به راهیابی اصولگرایان واقعی
به سنگر خبرگان کمک کند و هم
مشارکت حداکثری ملت را در پی
داشته باشد.

«جامعه ولایت فقیه، جامعه‌ای انحصارگر و مستبد است.»

دشمنان انقلاب به خوبی دریافته‌اند که با وجود ولی فقیه آگاه و هوشیار نمی‌توانند در صفوف ملت رخنه کرده و نقشه‌های خود را عملی سازند، از این رو به هر طریق می‌کوشند تا این جایگاه را تضعیف و به وسیله آن زمینه سستی و فروپاشی نظام اسلامی را فراهم آورند.

مقام معظم رهبری نیز در دیدار با اعضای مجلس خبرگان در ۹ شهریور امسال، با تأکید بر پرهیز از تضعیف مجلس خبرگان به عنوان ذخیره معنوی نظام فرمودند: «اگر مجلس خبرگان همیشه آماده، حاضر و از لحاظ تحلیلی، مسلط بر اوضاع کشور نباشد، در ساعت فقدان رهبری هیچ دستی گره‌گشای این بحران و مشکل نخواهد بود و اهمیت مجلس خبرگان از همین امر آشکار می‌شود.»^{۱۲}

نکته مهم دیگر این‌که در سال‌های اخیر، برخی جریان‌ها با حمایت رسانه‌ای می‌کوشیدند فضای انتخابات خبرگان را همچون سایر انتخابات «فضای جنگ همیشگی چپ و راست» القا کنند، حال آنکه رهبر فرزانه انقلاب در همین دیدار، شرکت مردم در انتخابات خبرگان را وظیفه‌ای عمومی و عامل حفظ اعتبار آن دانسته و تصریح کردند: «هدف و مقصود اساسی از تشکیل مجلس خبرگان، موضوعی کاملاً ملی؛ یعنی انتخاب رهبری نظام در زمان لازم است. بنابراین شأن این مجلس بالاتر از کارهای جناحی و خطی است. البته صاحبان عقاید مختلف سیاسی می‌توانند در خبرگان حضور یابند، اما نباید این مجلس را به محل بروز انگیزه‌های سیاسی و جناحی تبدیل کنند.»^{۱۳}

ایشان البته در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۸۴ نیز در دیدار با خبرگان ملت، با بیان این‌که مجلس خبرگان مظهر کامل مردم‌سالاری دینی است، فرمودند: «تبلیغات منفی رسانه‌های غربی درباره مجلس خبرگان، نشان دهنده اهمیت و حساسیت فراوان این مجموعه بسیار مهم است.»^{۱۴}

ضرورت حضور خبرگان واقعی در کارزار انتخاباتی

مسئله اساسی دیگری که دشمن بر روی آن برنامه‌ریزی جدی دارد، تلاش برای بی‌تفاوت نشان دادن نخبگان و متدینین برای حضور در عرصه کاندیداتوری انتخابات خبرگان است تا از این طریق و کاهش آرای عمومی که در بالا گفته شد، نیروهای مدنظر خود را وارد مجلس خبرگان کند و یا این‌که حداقل جلوی ورود عده‌ای خاص را با جوسازی رسانه‌ای بگیرد.

شاید از همین رو بود که رهبر انقلاب ضمن دعوت صاحبان صلاحیت به حضور در میدان این انتخابات فرمودند: «هر کس که خود را برای عضویت در مجلس خبرگان صاحب صلاحیت‌های لازم می‌داند، وظیفه شرعی دارد که خود حضرت امام راحل علیه السلام نیز ضمن تأکید بر هوشیاری همه نخبگان جامعه به ویژه روحانیت در این عرصه می‌فرمودند: «مسائل سیاسی مال همه است «کُلُّکُم راع» همه باید مراعات بکنید، همه باید ملت را توجیه کنید که چه می‌کنند و باید راهنمایی کنید همه را و همه باید فعال با صف‌های فشرده و فعال وارد شوید در صحنه و به خودتان هیچ یاسی راه ندهید، خدا با شماست.»^{۱۵}

فضایی متفاوت برای اصولگرایان

در هر صورت فضای انتخاباتی که قرار است ۲۴ آذر ماه همزمان با سومین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا برگزار شود، این بار فضای متفاوتی دارد. از یکسو گرایش مردم به جریان اصولگرایی و از سوی تهدیدات بین‌المللی ایجاب می‌کند که این بار برخلاف گذشته، شاخصه‌های متفاوت‌تری را در عرصه سیاسی شاهد باشیم.

هر چند نباید از تلاش‌های دشمنان بیرونی و داخلی در جهت دلسرد کردن مردم و عدم مشارکت آنها در صحنه غفلت کرد، اما باید به دو موضوع اساسی نیز توجه کرد؛ اول تلاش برای به عرصه

آوردن خبرگانی که چندان متمایل به حضور در عرصه کاندیداتوری نیستند، اما شایستگی کامل دارند و دوم بر اهمیت نشان دادن کارکرد این مجلس در مناسبات سیاسی کشور.

در این میان قطعاً وحدت و همدلی جریان‌ها اصولگرا از یکسو و پرهیز از برخوردهای تند و تخریب از سوی دیگر، می‌تواند هم به راهیابی اصولگرایان واقعی به سنگر خبرگان کمک کند و هم ان شاء الله تعالی مشارکت حداکثری ملت را در پی داشته باشد.

گول این حرف‌ها را نخورید!

سخن را با فرمایشی گهربار از حضرت امام علیه السلام آغاز کردیم؛ چه خوب است حسن ختام آن نیز بیانی دیگر از آن یار سفر کرده باشد:

«امروز در ملت ما مطرح است قضیه مجلس خبرگان برای تعیین رهبری. این مسئله‌ای است که نباید ملت ایران برای آن کم ارج قائل باشد. الآن یک دسته - از قراری که شنیدیم - دوره افتاده‌اند که این مجلس خبرگان نباید باشد، برای این‌که تضعیف رهبری است. مجلس خبرگان تقویت رهبری است. گول این حرف‌ها را نخورید، باید همه وارد شوند، این یک تکلیف است.»^{۱۶}

پی‌نوشت‌ها:

۱. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۴۱. ۲. مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران، محمد وحید قلفی، ص ۲۲۸. ۳. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۸۷. ۴. همان، ص ۱۰۳. ۵. همان، ج ۸، ص ۱۱۲. ۶. همان، ج ۹، ص ۲۴۶. ۷. نشریه و رای روی‌دادها، ش ۴، ص ۴۰. ۸. همان. ۹. همان، ص ۴۳. ۱۰. بهزاد نبوی، عصر ما، ش ۴۳. ۱۱. نشریه نامه، ش ۲، ص ۱۲. ۱۲. روزنامه قدس، ۸۵/۶/۱۱، ص ۲. ۱۳. همان. ۱۴. فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۳۹، ص ۱۹. ۱۵. روزنامه قدس، ۸۵/۶/۱۱، ص ۲. ۱۶. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۶۱. ۱۷. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۴۳.